

# بررسی میزان اقتدارگرایی فرهنگیان با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و عوامل مؤثر بر آن در بین فرهنگیان شهرستان قوچان

دکتر ابراهیم صالح آبادی<sup>۱</sup>

دکتر مهناز امیرپور<sup>۲</sup>

علی براتپور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۵

## چکیده

اقتدارگرایی، از جمله مقولاتی است که در رشته‌های مختلف به خصوص جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. هدف اقتدارگرایی، قدرت طلبی است و بر محور اصالت قدرت دور می‌زند و کمال انسان را در این می‌بیند که قدرت پیدا کند؛ لذا ما بر آن هستیم تا اقتدارگرایی را در بین فرهنگیان با توجه به سند تحول بنیادین بررسی کنیم. برای نشان دادن میزان اقتدارگرایی و عوامل مؤثر بر آن از نظریه‌های نظریه پردازان دیدگاه تضاد و نظریه‌های بوردیو، کلمن و ... استفاده شده است. هدف از این تحقیق بررسی اقتدارگرایی در بین فرهنگیان و عوامل مؤثر بر آن و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت می‌باشد. نتایج به دست آمده از این مطالعه که به روش پیمایشی و در بین فرهنگیان شهر قوچان در سال ۱۳۸۹ انجام گرفت نشان می‌دهد که بین متغیرهای (مستقل) جنسیت، مقطع تدریس، پیگیری منافع با اقتدارگرایی (متغیر وابسته) رابطه معناداری وجود دارد و قدرت تبیین کننده اقتدارگرایی را دارند در حالی که بین متغیرهای (مستقل) تحصیلات، درآمد، تمایل دستیابی به اهداف و فدا کردن پاداش‌های آنی با اقتدارگرایی رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد و این متغیرها قدرت تبیین کننده اقتدارگرایی را ندارند.

**واژگان کلیدی:** اقتدارگرایی، تحول بنیادین آموزش و پرورش، پیگیری منافع، تمایل دستیابی به اهداف، فرهنگیان.

---

<sup>۱</sup>-استادیار دانشگاه پیام نور(نویسنده مسؤل)

<sup>۲</sup>-استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام

<sup>۳</sup>-کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

#### مقدمه

اقتدارگرایی، قدرت طلبی است و بر محور اصالت قدرت دور می‌زند و کمال انسان را در این می‌بیند که قدرت پیدا کند. طبق نظر بنیان‌گذاران این مکتب، آدمی لازم است بدان گونه تربیت شود که قادر و مقتدر بار بیاید و هر چه مقتدرتر و نیرومندتر بر محیط خارج خود یعنی بر طبیعت و نیز بر انسان‌هایی دیگر چیره‌تر شده باشد، به فضیلت و کمال نزدیک‌تر است.

مبارزه با اقتدارگرایی برنامه‌ای است که فقط به عرصه سیاسی محدود نمی‌شود این مبارزه باید در عرصه علوم دیگر نیز تجلی داشته باشد. از همین روست که گاهی بیش از آنچه بر توسعه و رشد اقتصادی تأکید می‌شود، توزیع عادلانه ثروت به قصد مبارزه با بهره‌کشی مدنظر قرار می‌گیرد. هدف انسان باید این باشد که به مرجع اقتدار خود تبدیل گردد؛ یعنی این که در مسائل اخلاقی دارای وجدان، در مسائل فکری دارای اعتقاد و در مسائل احساسی دارای صداقت باشد. اما انسان تنها زمانی می‌تواند صاحب این اقتدار درونی گردد که به اندازه‌ی کافی بالغ باشد تا جهان را با خرد و عشق دریابد.

اقتدارگرایی از جمله مفاهیمی است که در یکی دو دهه اخیر در عرصه علوم اجتماعی به آن توجه ویژه‌ای شده است. طبعاً محققان مختلف از منظرهای تئوریک به صورت متفاوت به آن نگریسته‌اند و به تبیین و توضیح علل اقتدارگرایی، تبعات و تأثیرات آن بر جامعه پرداخته‌اند. یکی از گروه‌هایی که می‌توان از عینک مفهوم اقتدارگرایی بدان نگریسته شود گروه‌های فرهنگی است. چرا که این گروه‌ها با تربیت انسان‌هایی سر و کار دارند که هنوز خمیر مایه شخصیت آن‌ها شکل نگرفته است. بنابراین بر همین اساس در شهر قوچان بر آن هستیم تا مسأله اقتدارگرایی را در بین فرهنگیان مورد بررسی قرار دهیم.

#### بیان مسأله

از آن جایی که قدرت، عنصر هر کنش اجتماعی است. اقتدارگرایی در همه سطوح چه در کنش متقابل، گروه، سازمان، جامعه و نظام جهانی وجود دارد. در هر کدام از سطوح فوق، افراد صاحب اقتدار می‌توانند منافع خود را به شکل نابرابر جستجو کنند. در سطح کنش متقابل، اقتدار یکی از افراد

موجب عدم اعتماد، کم شدن روابط و ایجاد رویه‌های قانونی برای تضمین واکنش‌های متناسب از سوی مخاطب شود. در سطح گروه، اقتدارگرایی موجب می‌شود که گروه کمتر شکل بگیرد. در سطح سازمان اجتماعی، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در نتیجه اقتدارگرایی، اتلاف منابع و نارضایتی کارکنان زیردست را نتیجه می‌دهد. اقتدارگرایی نه تنها همانند سازمان موجب تصمیم‌گیری‌های یک سو به می‌شود بلکه موجب ایجاد نظام خودکامه می‌شود که با زور، ظلم و خفقان انسجام نظام اجتماعی را حفظ می‌کند. به خصوص اقتدارگرایی در زمینه تعلیم و تربیت موجب افت کیفیت آموزشی می‌شود چرا که آموزش را از حالت دانش‌آموز محوری، خلاقیت و ... خارج می‌کند و از آنجایی که فرهنگیان جامعه‌ی سال ۱۴۰۴ بر اساس سند تحول بنیادین قاعداً فرهنگیان و نخبگان شاداب و تازه نفسی هستند که در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴ وارد تحصیل در نظام آموزشی ایران می‌شوند و در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ شمسی در مقطع دکتری از یکی از رشته‌های علوم فارغ‌التحصیل می‌شوند. یعنی در این دوره ۲۰ ساله دانش‌آموز و دانشجو هستند و زیر نظر معلمان و استادان فعلی و آتی شاغل در نظام آموزشی کشور، تربیت می‌شوند. بنابراین شناسایی عوامل فردی و اجتماعی اقتدارگرایی می‌تواند راه‌گشای اقداماتی در زمینه تعلیم و تربیت چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی باشد (ناظمی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

پس در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال‌ها هستیم: میزان اقتدارگرایی فرهنگیان چقدر است؟ چه عواملی بر اقتدارگرایی فرهنگیان اثر می‌گذارد؟

## اهداف تحقیق

### هدف اصلی و کلی تحقیق:

بررسی میزان اقتدارگرایی فرهنگیان با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و عوامل مؤثر بر آن در بین فرهنگیان.

### اهداف جزئی:

- شناسایی عوامل تأثیرگذار در دست‌یابی به اقتدارگرایی در بین فرهنگیان

ارائه راهکار جهت حل مسائل و مشکلات در این زمینه و مبارزه با اقتدارگرایی و بررسی آن در سند تحول بنیادین

### پیشینه تحقیق

#### تحقیقات انجام شده در خارج

آدورنو، در تبیین اقتدارگرایی به نظریه روانکاوی فروید روی می‌آورد و علل اقتدارگرایی افراد را در دوران کودکی و در ارتباط با نحوه برخورد والدین با کودک می‌داند.

مطالعه‌ی دیگری توسط اریش فروم صورت گرفته است او معتقد است: «آنچه که ذات شخصیت اقتدارگرا را می‌سازد، گونه‌ای ناتوانی است: ناتوانی در اتکا بر خود و مستقل بودن و یا به عبارت دیگر، ناتوانی در تحمل آزادی.» اریش فروم، روانکاو، در این مقاله، خاطر نشان می‌سازد که هر دو گونه‌ی شخصیت اقتدارگرا (مازوخیست-سادیست) دارای خصوصیات مشترکی هستند که همانا عدم بلوغ معنوی و هراس عمیق درونی است. او در عین حال تفاوت میان اقتدارگرایی خردگرایانه و خردگریزانه را به روشنی تصویر می‌کند (آدورنو، ۱۹۵۰؛ کرین استین، ۱۹۶۵).

#### تحقیقات انجام شده در داخل

مرکز افکار سنجی دانشجویان در تحقیقی تحت عنوان «فرهنگ سیاسی مردم ایران»، از اقتدارگرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران یاد کرده‌اند به طوری که میانگین اقتدارگرایی در این تحقیق ۴۱/۹۳ درصد بوده است (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۵).

مسعود چلبی در فصل سوم «کتاب بررسی نظام تجربی شخصیت در ایران»، ۳۰ خصیلت از خصایل شخصیتی ایرانیان را در آثار مستشرقان غربی و متفکران ایرانی و اسلامی مورد بررسی قرار داده است. این خصایل عبارت است از: خرافاتی و تقدیرگرا، شاعر گرای و دنیاگرایی، شجاعت و جوانمردی، علاقه به دانش اندوزی، صداقت و فروتنی، استبداد پذیری و اقتدارگرایی، هوش و خلاقیت، مهمان‌نوازی، محافظه کاری، با اراده، مهربان و آرام، خوش‌گذران، با گذشت و ایثار، دروغ گویی، میهن

پرستی، عاطفی، حجاب، ساده‌زیستی، قوم‌مداری، عاطفی و احساساتی، رشوه‌گیری و رشوه‌دهی، اصیل و نجیب، مقلد، سنت پرستی، متملق و چاپلوس، زیبایی و آراستگی، مغرور و خودنما، صبور و شکیبا. یکی از این خصایل استبداد پذیری و اقتدارگرایی است. سهم این خصلت در شخصیت ایرانی ۴/۹ درصد است (چلبی، ۱۳۸۱).

### پیشینه تحقیق

#### اقتدار در ایران

در ایران تنازعی میان هر سه گونه اقتدار وجود دارد. قانون اساسی ایران، هم مبانی اقتدار را بر احکام اسلام (سنت) و هم بر خواست و اراده عمومی (اقتدار قانونی) استوار کرده است. در ضمن به طور غیر رسمی بر ویژگی‌های خاص رهبران و بالاخص روحانیت تأکید می‌شود؛ لذا همزمان هر سه گونه اقتدار در نظام سیاسی ایران وجود دارد. حال می‌توان پرسید که افکار عمومی چه نوع اقتداری را قابل قبول می‌دانند؟ توزیع میزان اقتدار به هر یک از انواع آن در بین اقشار مختلف جامعه چقدر است؟ بر این اساس نظام سیاسی زمانی اقتدار دارد که مردم: ۱- باور داشته باشند قانون اساسی نظام سیاسی حقایق دارد. ۲- ترکیب کلی نظام سیاسی و شیوه عمل آن را در جهت تحقق منابع عمومی/ملی بدانند. ۳- نسبت به نظام سیاسی ابراز علاقه و وفاداری کنند. ۴- خود را نسبت به سرنوشت نظام سیاسی مسئول و حمایت از آن را وظیفه بدانند.

برای عملیاتی کردن اقتدار نظام، باید به این نکته توجه کرد، اقتدار سنتی در نظام سیاسی ایران کاملاً با دین اسلام پیوند خورده است؛ لذا بهترین گزینه برای عملیاتی کردن اقتدار سنتی، تأکید بر مقبولیت نظام بر اساس ابعاد سیاسی آن است. بر این اساس نظام سیاسی زمانی به لحاظ سنتی/دینی مشروع دانسته می‌شود که: به واسطه‌ی آنچه در قرآن، حدیث یا سنت آمده است صاحب حق حاکمیت دانسته شود و نه ارزیابی عملکردها، و این حقایق تحت تأثیر خواست مردم نیز، نباشد. بر خلاف اقتدار سنتی/دینی، نظام سیاسی زمانی دارای اقتدار قانونی به (زبان وبری) است که به واسطه‌ی خواست مردم و اجماع مردم بر سپردن حاکمیت به نظام سیاسی، حق اعمال قدرت داشته باشد؛ و مردم حق

داشته باشند طبق روال‌های قانونی، حاکمان را از کار برکنار و دیگران را به جای ایشان منصوب کنند. حدود اختیارات حاکمان نیز به واسطه هیچ چیزی فراتر از آنچه در قانون تعیین شده است مشخص نمی‌شود. کیفیات شخصی حاکمان نیز نمی‌تواند منبعی برای فراتر رفتن از حیطه‌ی قانون باشد (مرکز

افکار سنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۳)

اقتدار و قدرت در اسلام

در اسلام منشأ تمامی قدرت‌ها خداوند است: «ان القوه لله جميعاً» و هیچ قدرتی نیز به مشیت الهی و غیر از ناحیه او پدید نمی‌آید: «لا قوه الا بالله»، به عبارت دیگر، اسلام هیچ قدرت فی نفسه و بالذات دیگری جز خداوند را در عالم به رسمیت نمی‌شناسد. انتشار اقتدار در اسلام از رأس به زیر است؛ چنان که اقتدار پیامبر تابع و جلوه‌ای از قدرت خداوند نادر متعال بود که به جانشینان او - اعم از حاکمان و عالمان - منتقل گردید. قدرت در اسلام به واسطه قدسیت منبع انتشار، امری مقدس به شما می‌آید و با سلب قداست از آن، نامشروع گردیده و به عنوان «طاغوت و اقتدار طلبی»، سرپیچی از آن به هر طریق ممکن واجب می‌شود: «ان عبدوا الله واجتنبوا الطاغوت».

اقتدار حضرت محمد یک اقتدار «فرهمنده متعالی» است که وبر آن را اقتداری خارق‌العاده و مبتنی بر فیض شخصی خوانده است. این اقتدار مشروعیتش را از منبع مطلق اقتدار، یعنی خداوند قادر متعال می‌گیرد که فراگیر و جمیع الابعاد است (شجاعی زند، ۱۳۷۶).

**نظریه مبادله (انتخاب عقلانی)**

ترنر در کتاب ساخت نظریه‌ی جامعه شناسی، نظر پیتر بلاو درباره قدرت را به شکل زیر می‌آورد:

-مقدار کنش متقابل بین رهبران و افراد تحت سلطه معمولاً کاهش می‌یابد، زیرا قدرت و سلسله مراتب نباید دائماً مورد چانه زدن قرار گیرد.

-افراد تحت سلطه معمولاً در کنش متقابل خود، از مخارج سنگین کنش متقابل با رهبران دوری می‌جویند، در حالی که تأیید اجتماعی هم ردیفانشان یک پاداش با ارزش ویژه‌ای نیست و می‌تواند با مخارج نسبتاً کم به دست آید.

-برعکس، رهبران می‌توانند از مخارج سنگین رقابت دائم و چانه زدن با زیردستان در مورد این که چه وقت و چگونه چیزهای مورد قبول و اعتبار به آن اعطا شود، بپرهیزند.

در عوض رهبران با تماس نسبتاً محدود و معین با زیردستان می‌توانند پاداش‌های سنگین را به دست آورند که چیزها مورد قبول و اعتباری بد و تحمل مخارج سنگین در کنش متقابل با زیردستان می‌آید، بنابراین امکان معرفت را به دست می‌آورند.

چگونه روابط مبادله‌ای هنجاری می‌شود؟

از آنجا که کنش گران با رهبران در مبادله هستند و تا اندازه‌ای که خدمات عرضه شده توسط رهبران به نظر با ارزش می‌آید، تحت سلطه بودن باید بر اساس هنجارهای داد و ستد و مشروع که در همه مبادله‌ها به وجود می‌آید به عنوان یک امر بر حق مورد قبول واقع گردد. تحت این شرایط گروه‌ها، هنجارهای بیشتری می‌سازند این هنجارها مسأله‌ی این که چگونه با رهبران باید انجام گیرد تا پیش نیازهای داد و ستد و بقای مبادله‌ی مشروع را تنظیم کند مشخص می‌نماید. در مبادلات بین شخصی، مانور قدرت (تقاضا برای اجابت مبادله برای خدمات با ارزش) به وسیله هنجارها به اجرا درآمده و مستقیم توسط شرکت‌کنندگان در مبادله واسطه شده است. ارزش‌های که اقتدار را بر حق جلوه می‌دهند با اعطای موقعیت‌ها و وضعیت اداری و نه فردی، حق تقاضای اجابت در بعضی موارد، قواعد قدرت را از افراد در حال مبادله می‌گیرد. با محو قدرت از قلمرو (نفوذ شخصی) و قراردادهای آن در حقوق موقعیت‌ها و وضعیت‌های اداری، دامنه و دید قدرت گسترش یافته است. حال ممکن است اقتداری وجود داشته باشد که برای مثال تمام یک ملت را سازمان می‌دهد، همان‌طور وقتی که حکومت یا پیکر ادارات بر حق شمرده شده و این حق به آن‌ها داده شده که اجابت در مبادله برای عرضه خدماتی را دریافت کنند.

از نظر بلاو در روابط خرد و بین شخصی برای تضمین تعهد متقابل رابطه اجتماعی (که یک رابطه مبادله‌ای است)، این روابط با هنجارهای تنظیم می‌شود و روابط رسمی بین سازمان‌ها و یا در روابط تجاری بین افراد برای تضمین تعهد متقابل، این هنجارها شکل قانونی می‌یابند. در انگاره مبادله اجتماعی، اقتدار هنجاری تضمین کننده تعهدات متقابل در روابط مبادله‌ای می‌باشد. در صورتی که در انگاره ساختارگرایی کارکردی از نظر دورکیم نگهدارنده انسجام جامعه است. تبعیت افراد از هنجارهای تنظیم کننده روابط مبادله‌ای، میزان اقتدارگرایی آن‌ها را نشان می‌دهد. در مجموع اقتدار از نظر بلاو،

اقتداری هنجاری است (ترنر، ۱۳۷۲: ۳۷۴).

## وبر و اقتدار

وبر معتقد است: اندیشه‌های که ما در باب اقتدار داریم از سه مقوله بیرون نیست: اقتدار سنتی<sup>۴</sup> که بر پایه‌ی «باروری ریشه دار بر سنت‌های دیرینه استوار است. اقتدار قانونی و عقلانی<sup>۵</sup> که مبتنی بر باور مردمان به قانون قواعد، و به حقی که دارندگان قدرت برای فرماندهی در پرتو آن قواعد از آن برخوردار هستند». این‌جا تأثیر اقتدار، بر حسب اصولی که می‌تواند برای دارنده قدرت معتبر باشد، تابعی از موفقیت‌های رئیس یا سالار<sup>۶</sup> است. اقتدار فرهمند<sup>۷</sup> مبتنی بر «ازخودگذشتگی یا ایثار و حیرت انگیزی است که افراد پیرو یک نفر به دلیل تقدس، نیروی قهرمانی یا کیفیات استثنایی وی، نسبت به و نظمی که او پدید آورده است از خود نشان می‌دهد». به عقیده وبر حضرت عیسی و محمد (ع) نمونه‌های بارز این نوع اقتدار هستند. این دو پیامبر از پذیرش راه‌های سنتی امتناع کرده و منطق دروغین نظم موجود را پس زدند. وبر می‌گوید: «تنها امر مهم این است که بینم فرد (رهبر فرهمند) در عمل با چه چشمی از سوی پیروان خویش دیده می‌شود» «ریچارد سنت، ترجمه پرهام، ۱۳۷۸: ۲۸-۳۰»

اقتدار دو جنبه دارد: یک جنبه زور است و جنبه دیگر قانون. اقتدار ممکن است بر این یا آن جنبه یا بر ترکیب‌های گوناگون زور و قانون متکی باشد. در گذشته پادشاهان و مشاوران سرچشمه اقتدار بودند. امروزه، در دموکراسی، اقتدار به صورت سلسله مراتبی است، کسی که در بالای سلسله مراتب است از بیشترین میزان اقتدار برخوردار است و فرا دستان قدرت تصمیم‌گیری بیشتری نسبت به فرودستان دارند (نادمی، ۱۳۸۲).

حدود اقتدار محدودیت دارد. اگر این حدود را دارندگان اقتدار نقض کنند، تابعان می‌توانند آن را نادیده بگیرند یا با آن مخالفت کنند (نادمی، ۱۳۸۲). تفاوت‌های عمده اقتدار و قدرت عبارت است از:

- اقتدار همیشه مشروع و قانونی است، اما قدرت ممکن است مشروع یا نامشروع باشد.
- اقتدار مبتنی بر رضایت است، اما قدرت اغلب بر زور استوار است.

---

<sup>۴</sup> - traditional  
<sup>۵</sup> - rational-legal  
<sup>۶</sup> - partron  
<sup>۷</sup> - carismatik



-بنابراین سرشت اقتدار دموکراتیک‌تر از قدرت است، زیرا همیشه قانونی و مبتنی بر پشتیبانی همگانی است (عالم، ۱۳۷۳: ۱۰۲ - ۱۰۳).

### چارچوب نظری تحقیق

#### نظریه تضاد<sup>۸</sup>

نظریه پردازان مکتب فرانکفورت به بررسی شیوه‌های اعمال سلطه نظام می‌پردازند. به شیوه‌های که نظام به اعمال فشار، آلت دست قرار دادن، کور کردن یا فریب دادن مردم می‌پردازد تا باز تولید و استمرار خود را تضمین کند. سه عرصه‌ی سلطه‌گری عبارت است از: ۱- خرد ابزاری: شیوه‌های نگاه کردن به جهان که سلطه‌ی مردم بر یکدیگر و نظام را توجیه می‌کند. ۲- شیوه‌ای که فرهنگ توده‌ای مدرن مردم را در نظام ادغام می‌کند. ۳- نوعی ساختار شخصیتی که نه تنها سلطه را می‌پذیرد بلکه عملاً آن را جستجو می‌کند (کرایپ، ۱۳۸۱: ۲۶۱).

همان‌گونه که وبر منشأ روح سرمایه‌داری را تا مسیحیت و باورهای یهودی دنبال می‌کرد، آدورنو و هورکهایمر نیز سرچشمه‌ی خرد ابزاری را در یهودیت می‌دید. این پدیده در دورانی که آن را روشنگری می‌نامیم مستقلاً موجودیت یافت. در این دوره ابزاری شدن طبیعت اتفاق افتاد در حالی که پیش از آن مردم طبیعت را مخلوق خداوند می‌دانستند که مراقبت و حفاظت از آن به بشر سپرده شده است. اکنون آن را نوعی ابزار یا ماده خام تلقی می‌کردند که به خاطر شکوه هر چه بیشتر خداوند باید توسعه می‌یافت و مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. این دیدگاه طی قرون بعدی و تا به امروز تکامل یافته و جامعه و سازمان اجتماعی را زیر پوشش قرار داده است. دیدگاهی که در وهله‌ی اول دنیای اجتماعی را منبع حمایت از فرد و تأمین امنیت فرد تلقی می‌کرد. در نتیجه تغییرات ایجاد شده آن را منبعی برای بهره‌برداری فرد و پیشرفت آن می‌داند. این دیدگاه در مرتبه بعدی افراد انسانی را در بر گرفته است به طوری دیگر نمی‌توان افراد برخوردار از صداقت، حقوق و وظایف خاص خود به شمار آورد، بلکه آن‌ها دارندگان خصوصیت‌ها و مهارت‌هایی هستند که می‌توان از آن‌ها در جهت تأمین

---

<sup>۸</sup> - Conflict Theory

مقاصدی به جز خواست خودشان استفاده کرد. سلطه‌گری صرفاً ذاتی صنعت فرهنگ نیست بلکه مستلزم نوعی ساختار شخصیتی خاص است که نه تنها سلطه‌پذیر باشد بلکه عملاً آن را جستجو کند. کتاب شخصیت قدرت‌طلب پژوهشی گسترده است که به بررسی این ادعا می‌پردازد که میان ساختار شخصیت و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نوعی هماهنگی وجود دارد (کرایپ، ۱۳۸۱: ۲۷۳-۲۷۴).

پیگیری منافع ← اقتدارگرایی

### پارسونز و اقتدار

پارسونز ویژگی‌های عمده شخصیت اقتدارطلب را چنین برمی‌شمارد: شخصیتی که در آن برتری از آن دستیابی به هدف‌ها است. به طرز بارزی برون‌گرا است، چنین شخصیتی با هدف‌های که باعث می‌شوند منابع و انرژی‌هایشان را بسیج کنند، قطبی شده است. قدرت در نظام شخصیت معنایش اعمال نظارت مؤثر در کنش دیگری در راستای دستیابی به هدف‌های خود<sup>۹</sup> است. این نوع شخصیت آمادگی دارد که پاداش‌های آنی را وقتی که مانعی بر سر راه دستیابی به هدف‌های تعیین شده است فدا کند یا به تأخیر بیندازد. در این نوع شخصیت، نظام شخصیتی به سوی اشیایی که نسبت به آن خارجی‌اند تمایل دارد (پارسونز، ۱۳۷۶: ۷-۶۸).

دستیابی به اهداف ← اقتدارگرایی

تأخیر انداختن پاداش‌های ← اقتدارگرایی

### پیر بوردیو<sup>۱۰</sup> و اقتدار

بوردیو نهاد آموزش و پرورش را باز تولید کننده‌ی نابرابری‌ها در جامعه می‌داند. همچنان که در دوره فئودال اقتدار زمین‌داران به طور ارثی به نسل بعد منتقل می‌شد در دوره معاصر نهاد آموزش به اقتدار طبقه حاکم مشروعیت می‌بخشد. بوردیو در کتاب نظریه‌ی کنش چنین می‌گوید: «کارکرد تکنیکی کاملاً بدیهی آموزش، یعنی انتقال کار آبی فنی و گزینش خبره‌ترین نیروها از نظر فنی، کارکرد اجتماعی آن، یعنی تخصیص حق ریاست به کسانی که نباید موقعیت، دارای کار آبی اجتماعی‌اند روپوشی می‌کند.

<sup>۹</sup> - ego

<sup>۱۰</sup> - pierre bourdieu

بین ترتیب در ژاپن مثل فرانسه با یک اشرافیت تحصیلی ارثی در بین مدیران صنعتی، پزشکان برجسته، کارمندان عالی مرتبه و حتی زمامداران سیاسی مواجه هستیم و این اشرافیت خونی را در بر می‌گیرد که عنوان اشرافی خود را به یک عنوان تحصیلی تغییر داده‌اند. بنابراین نهاد آموزش که می‌شد باور داشت که با ترویج دادن استعدادهای فردی بر امتیازات ارثی می‌توان نوعی شایسته سالاری را پی‌ریزی کند، فی‌الواقع در پی آن است تا از طریق اتصالاتی مخفی استعدادهای تحصیلی و میراث فرهنگی، یک اشرافیت دولتی واقعی را تدارک کند، که اقتدار و مشروعیت آن به وسیله‌ی عنوان تحصیلی تضمین شده است. (بورديو، ۱۳۸۰: ۵۹).

تحصیلات ← اقتدارگرایی.  
مقطعی تدریس ← اقتدارگرایی.

### جیمز کلمن<sup>۱۱</sup> و اقتدار

به طور کلی شخص ممکن است حق کنترل بر کنش‌هایش را به یکی از این دو دلیل نداشته باشد، حق ممکن است در اختیار دیگری باشد، حتی بدون این که توسط شخص، به دیگری انتقال داده شده باشد یا ممکن است حق وجود نداشته باشد. حق تنها زمانی وجود دارد که میان کنش‌گران ذی‌ربط درباره این که کدام کنشگر حق دارد، توافق عمومی وجود داشته باشد. هنگامی که این توافق عمومی وجود نداشته باشد، پس حق وجود ندارد و هنگامی که آن توافق عمومی یا وفاق، حق کنترل کنش‌های کنشگر (الف) را در دست کنشگر (ب) قرار می‌دهد، آنگاه کنشگر (ب) حق دارد. فرد ممکن است حق کنترل طبقه معینی از کنش‌های خود را داشته باشد یا نداشته باشد. تنها اگر فرد آن حق را، داشته باشد و به علاوه، حق انتقال آن حق را نیز به دیگری داشته باشد. می‌تواند به طور ارادی اقتدار را به دیگری تفویض کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۳-۱۱۰).

کلمن رابطه اقتدار را این گونه می‌توان تعریف می‌کند: رابطه اقتدار کنشگر بر دیگری هنگامی به وجود می‌آید که کنشگر اولی حق کنترل بر برخی کنش‌های دیگری را داشته باشد. پاسخ به این سؤال که چرا افراد حق کنترل بر کنش‌هایشان را به دیگران واگذار می‌کنند برای دو طبقه وسیع روابط اقتدار به

<sup>۱۱</sup>- james coleman

شدت تفاوت می‌کند. در طبقه اول کنشگر اقتدار را به دیگران واگذار می‌کند زیرا معتقد است که با پیروی از رهبری دیگری وضع بهتری خواهد بود. او حق کنترل را یک جانبه، بدون پاداش خارجی واگذار می‌کند. در طبقه دوم کنشگر حقوق کنترل را بدون داشتن این اعتقاد، ولی در مقابل پاداش خارجی انتقال می‌دهد (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

جنسیت ← اقتدارگرایی  
درآمد ← اقتدارگرایی

### فرضیه های تحقیق

بین دستیابی به اهداف و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بین به تأخیر انداختن پاداش‌های آنی و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بین جنسیت و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بین درآمد و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بین تحصیلات و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بین مقطعی که فرد تدریس می‌کند و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بین پیگیری منافع و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.

### روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی بوده است. پیمایش روشی برای تحقیق اجتماعی است. پیمایش دقیقاً به معنی تکنیک خاصی در گردآوری اطلاعات نیست، هر چند عمدتاً از پرسشنامه استفاده می‌شود اما فنون دیگری از قبیل مصاحبه عمیق و مصاحبه ساختمند، مشاهده، تحلیل محتوا و جز این‌ها هم به کار می‌روند (دواس، ۱۳۸۱: ۱۳).

تکنیک مورد استفاده برای جمع آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه خود ساخته است این پرسشنامه بر اساس فرضیه‌های پژوهش و به وسیله شاخص سازی برای مفاهیم ساخته شده است. در تحلیل یافته‌های تحقیق از آماره توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) برای طبقه بندی خلاصه کردن

و توصیف داده‌ها از آماره استنباطی (انحراف معیار، واریانس، ضریب همبستگی، ضریب پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون t) برای تحلیل و رد یا تایید فرضیه‌ها استفاده شده است. همچنین جهت تعیین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت آماری این تحقیق، فرهنگیانی هستند که در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ در مدارس استثنایی شهر قوچان مشغول به تدریس می‌باشند. تعداد فرهنگیان در این سال تحصیلی ۴۰۶۰ می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول آماری کوکران استفاده شده است (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۳۸۳).

$$n = \frac{N * t^2 * s^2}{N * d^2 + t^2 * s^2} = 262$$

حجم نمونه واقعی در این تحقیق، بر اساس فرمول بالا ۲۶۲ نفر به دست آمده است.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شده است. در این نمونه‌گیری ابتدا گروه‌ها همگن تشکیل شده، سپس به تناسب هر طبقه یا گروه نمونه انتخاب می‌شود. در این تحقیق فرهنگیان را بر حسب جنسیت به ۲ طبقه (زن و مرد) تقسیم کرده‌ایم و بعد مقطعی را که در آن تدریس می‌کنند به ۳ قسمت (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی) تقسیم کرده‌ایم تا نمونه ما شامل نسبت مناسبی از ۲ طبقه (زن و مرد) و ۳ مقطع (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی) باشد. با توجه به این که در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده می‌شود.

جدول ۱- توزیع فراوانی بر حسب مقطع تدریس و جنسیت

متغیر	حالات یا صفات متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۱۰۵	۴۰/۹
	زن	۱۵۲	۵۹/۱
مقطع تدریس	ابتدایی	۷۳	۲۸/۴
	راهنمایی	۸۶	۳۳/۵
	متوسطه و پیش‌دانشگاهی	۹۸	۳۱/۸

-متغیر وابسته:

اقتدارگرایی

-متغیرهای مستقل:

پیگیری منافع، تمایل دستیابی به اهداف، به تأخیر انداختن پاداش‌های آنی، جنسیت، درآمد، مقطع

تدریس و تحصیلات.

### اعتبار و پایایی

برای بررسی اعتبار تحقیق خود از اعتبار صوری استفاده می‌کنیم. در این نوع اعتبار که از تجربه استفاده می‌کند و وابسته به قضاوت محقق است (صفری شالی، ۱۳۸۶: ۷۶)، تأیید استادان راهنما و مشاور می‌تواند نشان دهنده این نوع اعتبار باشد و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه سنجش پایایی (آلفای کرونباخ) ۸۵۷/ به دست آمد که در سطح قابل قبول قرار دارد.

### یافته‌های تحقیق

#### توصیف داده‌ها

در این قسمت ابتدا متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، درآمد، تحصیلات و مقطع تدریس) و بعد، متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مورد توصیف واقع می‌گردند.

جدول ۲- فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	حالات یا صفات متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنس	مرد	۱۰۵	۴۰۰۹
	زن	۱۵۲	۵۹۰۱
تحصیلات	دیپلم	۶	۲۰۳
	کاردانی	۶۹	۳۷
	کارشناسی	۱۵۱	۵۹
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۰	۱۱۰۷
مقطع تدریس	ابتدایی	۷۳	۲۸۰۴
	راهنمایی	۸۶	۳۳۰۵
	متوسطه و پیش‌دانشگاهی	۹۸	۳۸۰۱
درآمد	کمتر از ۳۰۰ هزار تومان	۲	۰۰۸
	بین سیصد تا پانصد هزار تومان	۸۷	۳۴
	۵۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰ تومان	۱۳۱	۵۱۰۲
	بیش از ۷۰۰۰۰۰ تومان	۳۶	۱۴۰۱

#### توصیف اقتدارگرایی (متغیر وابسته)

جدول (۳)، بررسی میزان موافقت با مؤلفه‌های اقتدارگرایی را نشان می‌دهد که بیشترین میزان موافقت را پاسخگویان به گویه «بهتر است کارهای فنی را که راجع به آن تخصص نداریم به متخصصش واگذار کنیم» با میانگین ۴/۴ و کمترین میزان موافقت را با گویه «احتمالاً روزی معلوم خواهد شد که با

بررسی میزان اقتدارگرایی فرهنگیان با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و عوامل مؤثر بر آن در بین فرهنگیان  
شهرستان قوچان

طالع بینی می توان علت خیلی از چیزها را پیدا کرد» با میانگین ۱/۷ داشته اند. میانگین کلی اقتدارگرایی ۲/۹ می باشد که نشان دهنده اقتدارگرایی در حد متوسط است. لازم به ذکر است دامنه میانگین ها بین ۱ تا ۵ می باشد که ۱ نشان دهنده حداقل موافقت و ۵ حداکثر موافقت است.

جدول ۳- توزیع درصدی و آماره های مؤلفه های اقتدارگرایی

میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	بیابین	موافق	کاملاً موافق	
۲/۳۲	۵۴/۲	۳۵/۴	۲/۳	۴/۶	۳/۴	بود و نبود مراجع قضایی مثل دادگستری و نیروی انتظامی به حال ما فرقی نمی کند
۲/۵۱	۶۳/۴	۳۰/۹	۰/۸	۴/۲	۰/۸	وقتی دیگران قانون را رعایت نمی کنند چرا من رعایت کنم
۳/۱۰	۱۱/۲	۳۷/۸	۱۴/۳	۲۶/۶	۱۰	آنچنان بی نظمی در جامعه حکم فرمست که نمی شود گفت فردا چه می شود
۲/۹	۸/۸	۳۴/۴	۱۲/۶	۲۷/۱	۱۷/۲	آدم احساس می کند چون هیچ کس در جای خودش قرار نگرفته
۲/۷	۱۶/۱	۱۸/۴	۱۰/۶	۳۰/۲	۲۴/۷	اطاعت از قدرت و احترام به قدرت از مهم ترین فضایی است که باید یاد بگیریم
۲	۲۶/۳	۵۶/۱	۳/۴	۹/۵	۴/۶	باید به بچه ها یاد داد همیشه به حرف بزرگ ترها بی چون و چرا گوش کنند
۲/۹	۱۳/۷	۴۲/۴	۵/۷	۳۰/۲	۸	باید به کار نیاکان خود احترام بگذاریم و نباید تصور کنیم شناختمان بهتر از آن ها است فقط با زور می شود در این جامعه قانون را حاکم کرد
۲	۳۳/۶	۴۲/۵	۶/۶	۱۲/۲	۵	برای درست شدن ایران قانون لازم نیست بلکه مرد مقتدری لازم است که حرفش قانون باشد
۲/۱	۳۳/۴	۴۲/۳	۵	۱۴/۲	۵	باید کسی باشد که به جای مردم تصمیم بگیرد و کشور را پیش ببرد.
۲/۲	۳۴/۴	۳۵/۹	۸/۵	۱۵/۸	۵/۴	بهتر است کارهای فنی را که راجع به آن تخصص نداریم به متخصصان واگذار کنیم.
۴/۴	۱/۵	۴/۲	۱/۹	۳۶/۲	۵۶/۲	بهتر است امور دینی را به دیگران واگذار کنیم و از آن ها تبعیت کنیم
۲/۴	۱۹/۳	۴۲/۵	۱۶/۶	۴۲/۵	۱۹/۳	احتمالاً روزی معلوم خواهد شد که با طالع بینی می توان علت خیلی از چیزها را پیدا کرد.
۱/۷	۴۹/۶	۳۳/۵	۱۰	۴/۲	۲/۷	سزای مرتکبین به جرائم جنسی، کفرهای بیش از زندان است
۳/۸	۶/۹	۱۱/۹	۱۰/۴	۳۲/۷	۳۸/۱	

توصیف متغیرهای مستقل

بررسی میزان موافقت با مؤلفه های پیگیری منافع

بررسی جدول (۴)، نشان می دهد که پاسخگویان بیشترین میزان موافقت را با گویه «اگر مصلحت باشد می توان دروغ گفت» داشته اند به طوری که ۳۷/۳ درصد پاسخگویان موافق این عبارت بوده اند. میانگین موافقت با این گویه ۲/۷ و نزدیک به متوسط می باشد. کمترین میزان موافقت با گویه «من درباره همکارانم بر اساس استفاده ای که از آن ها می کنم داوری می کنم» با میانگین ۱/۹ بوده است. میانگین کلی پیگیری منافع ۲/۳ می باشد که بیانگر میزان کم پیگیری منافع در بین پاسخگویان است.

جدول ۴- توزیع درصدی و آماره های مؤلفه های پیگیری منافع

میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	بیابین	موافق	کاملاً موافق	
۲/۷	۱۸/۱	۳۳/۱	۱۱/۵	۳۲/۷	۴/۶	اگر مصلحت باشد می توان دروغ گفت
۲/۴	۱۵/۸	۴۸/۳	۱۶/۶	۱۴/۷	۴/۶	سعی می کنم کمتر به افراد بالادست خود مواجه شوم چون مجبور به کار، برای آن ها می شوم
۱/۹	۳۵/۱	۴۸/۳	۷/۳	۷/۳	۱/۹	من درباره همکارانم بر اساس استفاده ای که از آن ها می کنم داوری می کنم

### بررسی میزان موافقت با مؤلفه‌های تمایل دستیابی به اهداف:

همان‌گونه که جدول شماره (۵)، آمده است، اکثر پاسخگویان موافق این گویه بوده‌اند که «کسب موفقیت در هر کاری برای من هدف است»، این افراد ۶۷/۳ درصد افراد نمونه را تشکیل می‌دهد. میانگین موافقت با این گویه ۳/۶ و «اهمیت موفقیت تحصیلی»، ۳/۱ بوده است. به طور کلی میانگین تمایل دستیابی به اهداف ۳/۳ و کمی بیش از حد متوسط می‌باشد.

جدول ۵- توزیع درصدی و آماره‌های مؤلفه‌های تمایل دستیابی به اهداف

میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق	
۳/۱	۵/۴	۳۶/۶	۱۰/۵	۳۱/۵	۱۶	موفقیت تحصیلی بیش از هر چیزی اهمیت دارد
۳/۶	۳/۱	۲۰/۶	۸/۹	۴۵/۹	۲۱/۴	کسب موفقیت در هر کاری برای من هدف است

### بررسی میزان موافقت با مؤلفه‌های فداکردن پاداش‌های آنی:

بررسی جدول (۶)، نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۸۵/۶ درصد) موافق بوده‌اند که «از هر لحظه زندگی باید بیشترین لذت را برد»، میانگین موافقت با این گویه ۴/۱ و در حد زیاد می‌باشد. ۵۱/۹ درصد پاسخگویان نیز موافق این عبارت بوده‌اند که «حاضر نیستم اوقات فراغتم را فدای کار کنم»، این گویه با میانگین ۳/۳ بیش از حد متوسط مورد توافق پاسخگویان بوده است. میانگین کلی فداکردن پاداش‌های آنی ۳/۳ از ۵ می‌باشد.

جدول ۶- توزیع درصدی و آماره‌های مؤلفه‌های فدا کردن پاداش‌های آنی

میانگین	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق	
۲/۵	۸/۹	۵۵/۶	۹/۳	۲۱	۵/۱	خواسته‌هایم را به هر شکل ممکن در کوتاه‌ترین زمان برآورده می‌کنم
۴/۱	۲	۷	۵/۵	۴۳/۴	۴۲/۲	از هر لحظه زندگی باید بیشترین لذت را برد
۳/۲	۴/۷	۳۳/۷	۹/۷	۳۶/۴	۱۵/۵	حاضر نیستم اوقات فراغت را فدای کار کنم

### میانگین متغیرهای مورد بررسی

جدول شماره (۷)، آماره‌های متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود فداکردن پاداش‌های آنی و تمایل دستیابی به اهداف بیشترین میانگین و پیگیری منافع کمترین میانگین



بررسی میزان اقتدارگرایی فرهنگیان با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و عوامل مؤثر بر آن در بین فرهنگیان  
شهرستان قوچان

را دارا می باشد.

جدول ۷- آماره‌های متغیرهای مورد بررسی

میانگین	
۲/۳	پیگیری منافع
۳/۳	تمایل دستیابی به اهداف
۳/۳	فداکردن پاداش‌های آنی
۲/۹	اقتدارگرایی

آزمون فرضیه های تحقیق

فرضیه اول: «بین جنسیت و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.»

آزمون مقایسه میانگین اقتدارگرایی در بین زنان و مردان نشان می دهد که زنان نسبت به مردان **اقتدارگرتتر** می باشند. به طوری که میانگین اقتدارگرایی مردان ۲/۸۴ و زنان ۳/۰۹ می باشد. این تفاوت با سطح معناداری ۰/۰۵ مورد تأیید قرار گرفته است. پس نتیجه می شود که فرضیه مورد تأیید است.

جدول ۸- آماره‌های اقتدار گرایی در بین زنان و مردان

میانگین	تعداد	وضعیت پاسخگو	
۲/۸۴	۱۰۵	مرد	اقتدارگرایی
۳/۰۹	۱۵۲	زن	

فرضیه دوم: «بین تحصیلات و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.»

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول (۹) نشان می دهد که بین میزان تحصیلات و اقتدار گرایی رابطه ای وجود ندارد. این آزمون با سطح معنی داری ۰/۴۹ مورد تأیید نبوده و بنابراین فرضیه فوق رد می شود.

جدول ۹- نتایج آزمون تحلیل واریانس تحصیلات و اقتدار گرایی

Sig.	F	مجدور میانگین	مجموع مجدورها	
۰/۴۹۰	۰/۸۰۹	۰/۱۴۹	۰/۴۴	درون گروهی
		۰/۱۸۹	۴۲/۲۶	برون گروهی
			۴۶/۷۷	جمع

فرضیه سوم: «بین درآمد و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد.»

همان گونه که در جدول شماره (۱۰) نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس ذکر گردیده است، میزان

درآمد تأثیری بر میزان اقتدارگرایی ندارد. این فرضیه با سطح معنی داری ۰/۷۰ رد شده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون تحلیل واریانس درآمد و اقتدار گرایی

Sig.	F	مجدورها میانگین	مجموع مجدورها	
۰/۷۰	۰/۴۶۲	۰/۰۸	۰/۲۵۵	درون گروهی
		۰/۱۸	۴۶/۳۰	برون گروهی
			۴۶/۵۵	جمع

**فرضیه چهارم:** «بین مقطع تدریس و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد»

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول (۱۱) نشان می‌دهد که میان اقتدارگرایی در بین پاسخگویان در مقاطع تدریس تفاوت دارد. سطح معنی داری آزمون ۰/۰۱ و فرضیه مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۱۱- نتایج آزمون تحلیل واریانس مقطع تدریس و اقتدار گرایی

Sig.	F	مجدورها میانگین	مجموع مجدورها	
۰/۰۱	۴/۲۵	۰/۷۵	۱/۵۱	درون گروهی
		۰/۱۲	۴۵/۲	برون گروهی
			۴۶/۷۲	جمع

**فرضیه پنجم:** «بین تمایل دستیابی به اهداف و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد»

رابطه تمایل به دستیابی به هدف و اقتدارگرایی مورد تأیید قرار نگرفت. آزمون پیرسون ضریب همبستگی این دو متغیر را ۰/۱۰ و سطح معناداری را ۰/۰۸ نشان می‌دهد که از لحاظ آماری فاقد اعتبار می‌باشد. به عبارتی بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه تأیید نمی‌گردد.

جدول ۱۲- رابطه همبستگی تمایل دستیابی به اهداف و اقتدار گرایی

اقتدارگرایی		
-۰/۱۰۵	ضریب پیرسون	تمایل به دستیابی به اهداف
۰/۰۸	سطح معناداری	
۴۶۲	تعداد	

**فرضیه ششم:** «بین فداکردن پاداش‌های آنی و اقتدارگرایی رابطه معنی داری وجود دارد»

آزمون پیرسون رابطه بین دو متغیر فداکردن پاداش‌های آنی و اقتدارگرایی را معکوس و به لحاظ آماری فاقد معنا نشان می‌دهد. سطح معناداری این آزمون ۰/۵۳ و در نتیجه این فرضیه مورد قبول نمی‌باشد.

جدول ۱۳- رابطه همبستگی فداکردن پاداش‌های آنی و اقتدارگرایی

اقتدارگرایی		
-۰/۰۳۹	ضریب پیرسون	فداکردن پاداش‌های آنی
۰/۵۳	سطح معناداری	
۲۶۲	تعداد	

فرضیه هفتم: «بین پیگیری منافع و اقتدارگرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد». بررسی جدول (۱۴) نشان می‌دهد که بین پیگیری منافع فردی و میزان اقتدارگرایی رابطه مثبت و از نظر آماری معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۲۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ می‌باشد. به عبارتی می‌توان گفت هرچه پیگیری منافع فردی بیشتر اقتدارگرایی نیز بیشتر می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

جدول ۱۴- رابطه همبستگی پی‌گیری منافع و اقتدارگرایی

اقتدارگرایی		
۰/۲۳۸	ضریب پیرسون	پی‌گیری منافع
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۲۶۲	تعداد	

### تبیین عوامل مؤثر بر اقتدارگرایی

در بخش پیشین فرضیه‌های تحقیق از طریق آزمون‌های مناسب بررسی شد و میزان وابستگی بین متغیرها مشخص گردید. در این بخش با استفاده از روش آماری رگرسیون چند متغیری به تبیین و پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته بر اساس ترکیب متغیرهای مستقل مطرح در فرضیه‌ها می‌پردازیم؛ لذا با توجه به ماهیت متغیرهای تحقیق از روش گام به گام استفاده شده است.

همان‌گونه که در بررسی متغیرهای مستقل نشان می‌دهد ۳ متغیر (پیگیری منافع، جنسیت، تمایل به دستیابی به اهداف) نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین متغیر وابسته (اقتدار گرایی) دارند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این ۳ متغیر به میزان  $F=۰/۵۳$  با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب تعیین حاصل، نیز بیانگر آن است که ۳۲ درصد میزان اقتدارگرایی، تابع متغیرهای مستقل مزبور است.

جدول ۱۵- ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون چندگانه

مؤلفه‌ها	رگرسیون	معنی داری
پی گیری منافع	۰/۲۶۴	۰/۰۰۰
جنسیت	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰
تمایل به دستیابی به اهداف	۰/۱۵۷	۰/۰۰۰
f	۱۹/۲۷	۰/۰۰۰
r		۰/۵۳
R <sup>۲</sup>		۰/۳۲

نتایج مندرج در جدول بالا (۱۵) شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل را بر وابسته نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود متغیرهای مستقل (پیگیری منافع، جنسیت، تمایل به دستیابی به اهداف) در مرحله نهایی، وارد معادله رگرسیون شده‌اند و رابطه معنی داری بین متغیرهای پیگیری منافع، جنسیت، تمایل به دستیابی به اهداف وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق با این سؤال اصلی شروع شد که میزان اقتدارگرایی فرهنگیان چقدر است؟ و چه عواملی بر اقتدارگرایی آن‌ها اثر می‌گذارد؟ ما بر اساس نظریه های پارسونز، بوردیو، جیمز کلمن، دیدگاه تضاد و تحقیق های قبلی شاهد عوامل مختلفی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر اقتدار گرایی فرهنگیان بودیم. متغیر وابسته ما در این تحقیق: اقتدارگرایی و متغیرهای مستقل عبارت بود از: تحصیلات، درآمد، مقطع تدریس، جنسیت، پی گیری منافع، تمایل دستیابی به اهداف و به تأخیر انداختن پاداش‌های آنی به عنوان عواملی که بر اقتدارگرایی تأثیرگذار است مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این تحقیق را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- ضریب تعیین حاصل، نیز بیانگر آن است که ۳۲ درصد میزان اقتدارگرایی، تابع متغیرهای مستقل (پیگیری منافع، جنسیت، تمایل به دستیابی به اهداف) مزبور است.
- ۲- بین جنسیت و اقتدارگرایی رابطه وجود دارد به طوری که زنان از مردان اقتدارگرا ترند.
- ۳- بین تحصیلات و اقتدارگرایی رابطه وجود ندارد.
- ۴- بین درآمد و اقتدارگرایی رابطه وجود.

۵- بین مقطعی که فرد تدریس می‌کند و اقتدارگرایی رابطه وجود دارد به طوری که هرچه مقطع مدرسین پایین‌تر باشد اقتدارگرا ترند.

۶- بین دستیابی به اهداف و اقتدارگرایی رابطه وجود ندارد به طوری که هر چه تمایل دستیابی به اهداف بیشتر باشد، اقتدارگرایی کمتر است.

۷- بین به تأخیر انداختن پاداش‌های آنی و اقتدارگرایی رابطه وجود ندارد به طوری که هرچه اقتدارگرایی بیشتر باشد، فرد آمادگی ندارد تا پاداش‌های آنی را مانعی بر سر راه دستیابی به هدف‌های تعیین شده وجود دارد به تأخیر اندازد یا فدا کند.

۸- بین پی‌گیری منافع و اقتدارگرایی رابطه وجود دارد به طوری که هر چه پی‌گیری منافع بیشتر باشد، اقتدارگرایی بیشتر است.

### پیشنهادهای تحقیق

- عوامل مؤثر بر اقتدار در سطوح تحلیلی گروه و سازمان بررسی شود تا شاهد کارایی بیشتری در سند تحول باشیم.

- نیروهای متخصص و متعهد متناسب با پست سازمانی همچنان که در سند تحول بنیادین آمده است تربیت شود و برای افراد شاغل در پست سازمانی می‌توان از نیروهای متخصص جهت آموزش به آن‌ها کمک گرفت.

### منابع

#### منابع فارسی

- بوردیو، پ. (۱۳۸۰)، «نظریه‌ی کنش»، ت:م، مردی‌ها، تهران، نقش‌تکرار.  
تورن، ج. ا. (۱۳۷۳)، «ساخت نظریه جامعه‌شناختی»، ت:ل، زاده. شیراز: نوید شیراز.  
تامین، م. (۱۳۷۳)، «جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی»، ت:ع. نیک گوهر، توتیا.  
دواس، دی، ای. (۱۳۸۱)، پیمایش در تحقیق‌های اجتماعی، ت: د. نایی، تهران، نشر نی.  
رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، «کندو کاوها و بنیادها»، تهران، انتشار.  
سنت، ر. (۱۳۷۸)، «اقتدار»، تهران: نشر و پژوهش شیراز.  
شجاعی زند، ع. ر. (۱۳۷۶)، «اقتدار در اسلام، فقه و حقوق»، ۱۹۵ و ۱۹۶.  
شجاعی زند، ع. ر. (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ص ۳۳-۶۳.

- عالم، ع. (۱۳۷۳)، «بنیادهای علم و سیاست»، تهران، نشر نی.
- «فرهنگ سیاسی مردم ایران» (۱۳۸۵)، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
- کرایب، ی. (۱۳۸۱)، «نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ت:حج، مخبر، آ. ۳۴.
- کلین، جیمز. (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی» ت: م. صبوری، تهران، نشر نی.
- گرب، ادوارد ج. (۱۳۷۳)، «نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک معاصر»، (ت: محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی‌زاده)، تهران، چاپ اول.
- ماکس، و. (۱۳۸۲)، «دین، قدرت و جامعه»، ت:ا. تدین، تهران، هرمس.
- نادمی، د. (۱۳۸۲)، «اقتدار و حاکمیت در روند جهانی شدن»، مجلات اقتصاد، ۱۹۵ و ۱۹۶.
- ناظمی، ا. (۱۳۸۲)، «تشنگان قدرت و شیفتگان خدمت»، مشهد، رحیمی نژاد.

## منابع لاتین

- Adorno, W. (1950), et al: the Authoritarian personality, Harper & rom, New York., Norton, 1969.
- Greenstein, (1965), the ANNALS of the American Academy of political and social science", vol, 361, No. 1, 81-95